

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ ضرورت و صفات خلیفه‌ی خداوند
۲. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ پیامبران

بسم الله الرحمن الرحيم

نقد

نویسنده: حسن

تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۱۴

علامه منصور هاشمی خراسانی در کتاب «بازگشت به اسلام» فرموده‌اند: «ختم نبوت، مستلزم ختم وحی نیست و خطاب خداوند به مباشر در تطبیق احکامش پس از نبی خاتم، به نحوی که مقتضی رساندنش به دیگران نباشد، ممکن است». این در حالی است که یکی از وظایف مهم امام، تعلیم و تبلیغ دین به دیگران است. اگر علم امام برای انجام این وظیفه، از طریق وحی حاصل نشده، پس از کجا حاصل شده است؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۹/۵/۱۹

علم امام، میراث پیامبر است؛ به این معنا که به واسطه‌ی پدرانش و به واسطه‌ی کتبی، از پیامبر به او رسیده؛ چنانکه حارث بن مغیره روایت کرده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ الَّذِي يَعْلَمُهُ عَالِمُكُمْ بِمَا يَعْلَمُ؟ قَالَ: وَرِثَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱؛ «به ابو عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام گفتم: علمی که عالم شما (اهل بیت) دارد از کجا حاصل شده؟ فرمود: میراثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی بن ابی طالب علیه السلام است» و جابر بن یزید جعفی از امام محمد باقر علیه السلام و داود بن ابی یزید احول از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده‌اند: «إِنَّا لَوْ كُنَّا نُفْتِي النَّاسَ بِرَأْيِنَا وَهَوَانَا لَكُنَّا مِنَ الْهَالِكِينَ، وَلَكِنَّهَا آثَارٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَصْلُ عِلْمٍ عِنْدَنَا تَتَوَارَثُهَا كَابِرٌ عَنْ كَابِرٍ، نَكْتُرُهَا كَمَا يَكْتُرُ النَّاسُ دَهَبَهُمْ وَفِضَّتَهُمْ»^۲؛ «اگر ما مردم را با رأی و پسند خود فتوا می‌دادیم از هلاک‌شدگان بودیم،

۱. بصائر الدرجات للصفار، ص ۵۳۶؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۶۴؛ کمال الدین وتمام النعمة لابن بابویه، ص ۲۲۳

۲. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۱۹

ولی آن آثاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که منبع علم ماست و ما آن را نسل اندر نسل به ارث می‌بریم و مانند گنجی نگهداری می‌کنیم، همان طور که مردم طلا و نقره‌ی خود را نگهداری می‌کنند».

آری، علم پیامبر ناشی از وحی است و با این وصف، می‌توان علم امام را نیز ناشی از وحی دانست، ولی به شکل غیر مستقیم و به واسطه‌ی پیامبر. مقصود علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از وحی در فراز مذکور، «وحی مستقیم» به معنای شنیدن سخن فرشتگان است که به عقیده‌ی ایشان ممکن است برای امام هم وجود داشته باشد، ولی «به نحوی که مقتضی رساندنش به دیگران نباشد»؛ چراکه اگر مقتضی رساندنش به دیگران باشد، نبوت محسوب می‌شود، در حالی که ختم نبوت ثابت است. بنابراین، ممکن است که فرشتگان با امام سخن بگویند و او را از موضوعی آگاه گردانند، ولی ممکن نیست که به او پیامی دهند و از او بخواهند که آن را به مردم برساند؛ به این صورت که بگویند: از قول خداوند یا از قول ما به مردم بگو که چنین بیندیشند یا چنان کنند. این به معنای آن است که امام اصطلاحاً «محدث» است و «نبی» نیست؛ چنانکه حمزان بن اَعین روایت کرده است: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبَرْتَنِي أَنَّ عَلِيًّا كَانَ مُحَدِّثًا، قَالَ: بَلَى، قُلْتُ: مَنْ كَانَ يُحَدِّثُهُ؟ قَالَ: مَلَكٌ، قُلْتُ: فَأَقُولُ: إِنَّهُ نَبِيٌّ أَوْ رَسُولٌ؟! قَالَ: لَا، بَلْ قُلْ: مَثَلُهُ مَثَلُ صَاحِبِ سُلَيْمَانَ وَصَاحِبِ مُوسَى، وَمَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقَرْنَيْنِ، أَمَا سَمِعْتَ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ أَنْبِيًّا كَانَ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ كَانَ عَبْدًا أَحَبَّ اللَّهُ فَأَحْبَبَهُ، وَنَاصَحَ اللَّهُ فَنَصَحَهُ، وَفِيكُمْ مِثْلُهُ»؛ «به ابو جعفر (امام محمد باقر) علیه السلام گفتم: به من فرمودی که علی محدث بود، فرمود: آری، گفتم: چه کسی او را حدیث می‌کرد؟ فرمود: فرشته، گفتم: پس بگویم که پیامبر یا رسول بود؟! فرمود: نه، بلکه بگو: کسی مانند (آصف) همنشین سلیمان و (خضر) همنشین موسی و مانند ذو القرنین بود، آیا نشنیده‌ای که از علی علیه السلام پرسیدند: آیا ذو القرنین پیامبر بود؟ پس فرمود: نه، ولی بنده‌ای بود که خداوند را دوست می‌داشت، پس خداوند او را دوست داشت و برای خداوند خیر خواه بود، پس خداوند برای او خیر خواهی کرد و در میان شما کسی مانند اوست» و حارث بن مغیره روایت کرده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا عِلْمُ عَالِمِكُمْ؟ أَجْمَلَةٌ يُقَدَّفُ فِي قَلْبِهِ أَوْ يُنْكَتُ فِي أُذُنِهِ؟ فَقَالَ: وَحْيِي كَوَحْيِ أُمِّ مُوسَى»؛ «به ابو عبد الله (امام جعفر صادق) علیه السلام گفتم: علم عالم شما (اهل بیت) چیست؟ آیا جمله‌ای است که به دلش انداخته یا در گوشش گفته می‌شود؟ فرمود: وحیی است مانند وحی مادر موسی» و سورة بن کلیب روایت کرده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِأَيِّ شَيْءٍ يُفْتَى الْإِمَامُ؟ قَالَ: بِالْكِتَابِ، قُلْتُ:

۱. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۸۶؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۶۹

۲. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۳۷

فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ؟ قَالَ: بِالسُّنَّةِ، قُلْتُ: فَمَا لَمْ يَكُنْ فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ؟ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، قَالَ: فَكَّرْتُ مَرَّةً أَوْ اثْنَيْنِ، قَالَ: يُسَدِّدُ وَيُوقِّفُ، فَأَمَّا مَا تَطُنُّ فَلَا؛^۱ «به ابو عبد الله (امام جعفر صادق) عليه السلام گفتم: امام بر چه اساسی فتوا می دهد؟ فرمود: قرآن، گفتم: اگر در قرآن نبود، فرمود: سنت، گفتم: اگر در قرآن و سنت نبود، فرمود: هیچ چیزی نیست مگر اینکه در قرآن و سنت وجود دارد، پس یک یا دو بار دیگر تکرار کردم، تا اینکه فرمود: به او القاء و الهام می شود، ولی نه آن طور که تو گمان می کنی» و در روایتی دیگر آمده است: «هِيَ النَّبِيُّ هَلَكَ فِيهَا أَبُو الْخَطَّابِ، فَلَمْ يَدْرِ مَا تَأْوِيلُ الْمُحَدَّثِ وَالنَّبِيِّ»^۲؛ «این همان چیزی است که ابو الخطاب در رابطه با آن هلاک شد؛ چراکه ندانست فرق محدث و نبی چیست»^۳.

بنابراین، ممکن است که فرشتگان امام را کمک و راهنمایی کنند، ولی ممکن نیست که به او پیامی از جانب خداوند برای رساندن به دیگران بدهند؛ چراکه آن کار نبی است؛ همچنانکه ممکن نیست او را به عقیده یا عملی بیرون از قرآن و سنت امر کنند، اگرچه به نحوی که مقتضی رساندنش به دیگران نباشد؛ چراکه امام مکلف به اطاعت کامل از قرآن و سنت است و حق تغییر دین را ندارد؛ چنانکه سماعة بن مهران روایت کرده است: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَوْ تَقُولُونَ فِيهِ؟ قَالَ: بَلَى كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»^۴؛ «به ابو الحسن (امام موسی بن جعفر) عليه السلام گفتم: آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارد یا شما هم در آن نظر می دهید؟ فرمود: بلکه همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبرش وجود دارد» و قتیبة و عنبسة روایت کرده اند: «سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَجَابَهُ فِيهَا، فَقَالَ الرَّجُلُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ كَذَا وَكَذَا مَا يَكُونُ الْقَوْلُ فِيهَا؟ فَقَالَ لَهُ: مَهْ، مَا أَجَبْتُكَ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، لَسْنَا مِنْ أَرَأَيْتَ فِي شَيْءٍ -وَفِي رَوَايَةِ أُخْرَى: - لَسْنَا نَقُولُ بِرَأْيِنَا مِنْ شَيْءٍ»^۵؛ «مردی از ابو عبد الله (امام جعفر صادق) عليه السلام چیزی پرسید و آن حضرت او را پاسخ داد، پس مرد گفت: نظرت چیست اگر این طور باشد؟ پس آن حضرت به او فرمود: صبر کن، هر پاسخی که به تو دادم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، <نظرت چیست> در کار ما نیست -و در روایتی دیگر آمده است: - ما با نظر خودمان چیزی نمی گوییم».

۱. بصائر الدرجات للصفار، ص ۴۰۷

۲. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۴۰؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۲۷۰

۳. أبو الخطاب محمد بن مقلاص أسدي کوفي از غالیان شیعه بود که می پنداشت امامان اهل بیت نبی هستند.

۴. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۲۱؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۶۲

۵. بصائر الدرجات للصفار، ص ۳۲۰؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۵۸

از اینجا دانسته می‌شود که فرق «محدث» و «نبی» در امکان یا حتی کیفیت دریافت وحی توسط آن‌ها نیست، بل در محتوای وحیی است که دریافت می‌کنند؛ به این صورت که «نبی»، پیامی از جانب خداوند برای ابلاغ به دیگران، یا عقیده و حکمی جدید را دریافت می‌کند، ولی «محدث» تنها تفسیر و تأویل عقاید و احکامی را دریافت می‌کند که قبلاً توسط «نبی» دریافت و ابلاغ شده است. بنابراین، وحی اوصیاء، «غیر تبلیغی» و «غیر تشریعی» است و این دو ویژگی، آن را از وحی انبیاء جدا می‌کند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ يَعْرِفُ وَقْتَ خُرُوجِهِ؟ قَالَ: يُحَدِّثُهُ الْمَلَائِكَةُ، قُلْتُ: فَتَقُولُ إِنَّهُ نَبِيٌّ؟! قَالَ: لَا، وَلَكِنَّهُ مُحَدِّثٌ، قُلْتُ: وَهَلْ يُحَدِّثُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا النَّبِيُّ؟! قَالَ: وَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ ذَلِكَ؟! أَلَمْ يُحَدِّثُوا مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؟! قُلْتُ: مَا الْفَرْقُ بَيْنَ النَّبِيِّ وَالْمُحَدِّثِ؟ قَالَ: النَّبِيُّ يُوحَى إِلَيْهِ شَرْعٌ جَدِيدٌ أَوْ شَيْءٌ يُؤْمَرُ بِتَبْلِيغِهِ، وَالْمُحَدِّثُ لَا يُوحَى إِلَيْهِ إِلَّا شَيْءٌ مِنْ تَفْسِيرِ الشَّرْعِ أَوْ مَا يُحَدِّثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ أَنْبِيَاءٌ أَوْ مُحَدِّثُونَ»^۱؛ «از منصور درباره‌ی مهدی پرسیدم که چگونه از وقت خروجش آگاه می‌شود؟ فرمود: فرشتگان به او می‌گویند، گفتم: پس می‌فرمایی که او نبی است؟! فرمود: نه، ولی محدث است، گفتم: مگر فرشتگان جز با نبی سخن می‌گویند؟! فرمود: چه چیزی آنان را از این کار باز می‌دارد؟! آیا با مریم علیها السلام سخن نگفتند؟! گفتم: فرق میان نبی و محدث چیست؟ فرمود: به نبی شرعی جدید یا چیزی وحی می‌شود که مأمور به ابلاغ آن است و به محدث وحی نمی‌شود مگر چیزی از تفسیر شرع یا چیزی که در شبانه‌روز رخ می‌دهد. سپس فرمود: خلفاء خداوند در زمین، نبی یا محدث هستند».



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
بخش بررسی و پاسخ‌ها



۱. گفتار ۱۸۳

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی حفظ الله تعالی



صفحه توییتر

صفحه اینستاگرام

صفحه تلگرام

صفحه فیس‌بوک

لینک کانال

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.